

شیوه‌نویس آموزش

جامعه پدیا

انقدر دربارۀ این اصطلاح گفتیم و نوشتیم و البته اقدام عملی ندیدیم که حالا داد رئیس‌جمهور کشور هم درآمده که تذکر داده: «اینکه من در کلاس، درست درس دهم و الگو و نمونه شوم، اینکه روش‌های جدید و مهارت‌ها را به بچه‌ها آموزش دهم، مسعود پزشکیان در فضاهای آموزشی شهرستان شهریار گفته: توسعه عدالت در فضاهای آموزشی شهرستان شهریار گفته: چرا باید معلمی که به کلاس می‌آید همیشه یک‌جور درس دهد؟ نمی‌توان به او هم آموزش داد که بتواند به شیوه‌های جدید و بهتر مفاهیم را منتقل کند؟ رئیس‌جمهور تأکید کرده که اگر در ذهن ما این موضوع باشد که دانش‌آموز بدون یادگیری و مهارت از کلاس بیرون نرود، بالاخره راهی پیدا می‌کنیم، چرا باید به این وضعیت رضایت دهیم؟ پاسخ این است که ذهن ما باید از قالبی که بسته است خارج شود. حالا باید امیدوار بود که با این تذکر آقای پزشکیان وزیر آموزش و پرورش و مدیران متوجش طرحی نو برای پوستاندازی در شیوه‌های آموزشی به کار ببرند.

خبرخوان

معاون سلامت اجتماعی بهزیستی استان تهران گفته در بررسی‌های بهزیستی مشخص شد که حدود **۲۴ هزار نفر** از جامعه افراد دارای معلولیت در استان تهران با مشکلات شنوایی و گفتاری مواجهند.

وزیر آموزش و پرورش از تخصیص **حداق ۲۵۰۰ میلیارد تومان** برای تجهیز هنرستان‌های آذربایجان شرقی خبر داد و قول مساعد برای بازسازی دبیرستان ماندگار فردوسی تبریز را نیز مطرح کرد.

معاون آموزشی وزارت علوم با بیان اینکه در حال حاضر جایگزینی برای کنکور نداریم، گفت: باید این واقعیت را بپذیریم که ما **یک‌سری صندلی در دانشگاه‌ها** داریم و متقاضی برای ورود به این عرصه زیاد است؛ بنابراین تا زمانی که جایگزین مناسبی پیدا نشود، کنکور حذف نخواهد شد.

گزارش

صفحه‌آرا: مجید اصغری

هشتگ روز

دروغ سریالی درباره درآمد باربرها

صفحات اینستاگرام و تلگرام پر شده از ویدئوهایی که در آمد بالای باربرهای بازار را تبلیغ می‌کنند و تعداد آنها از هفته گذشته تا امروز بیشتر هم شده است. در ماه اخیر برای چندمین بار این موضوع ترند روز شده و برخی از اهالی رسانه‌ها هم همین خط خبری متولدشده در فضای مجازی را بدون تحقیق و تفحص به‌دفعه گرفته‌اند و با تیتُرهای «درآمد نجومی باربر بازار» تلاش می‌کنند که بیشترین مخاطب را به سمت خود جذب کنند. این موج دروغین علاوه بر اینکۀ پیام نادرستی را به مخاطبان رسانه‌ها منتقل می‌کند، در لایه‌های پنهان خود موجب شده که زندگی باربرهای واقعی با چالش روبه‌رو شود و برخی از این باربرها در گفت‌وگو با همشهری از بحران‌های خانوادگی پس از انتشار خبر ساختگی درآمدهای نجومی‌شان گلایه کرده‌اند؛ چرا که در واقعیت هنوز در خرج روزمره خود مانده‌اند.

برای بررسی این موضوع، صفحه اینستاگرامی که ویدئوی «درآمد ۲۰۰ میلیونی پیک موتوری» را منتشر و تاکنون نزدیک به ۱۱ میلیون بازدید در صفحه خود ثبت کرده، را کاوش شد. نتایج به‌دست آمده در نوع خود جالب است. این صفحه که مربوط به یک تولیدکننده لباس است، در ماه‌های اخیر به شکلی مهندسی‌شده، دست به تولید ویدئوهایی با تبلیغ درآمد باربرها زده است.

در یافت بازخورد مثبت از مخاطبان فضای مجازی موجب شد تا این قبیل ویدئوها باز هم در این صفحه تکرار شود و صفحه‌ای که تا قبل از این شکل تولید محتوا کمتر از ۲۰۰ لایک را برای پست‌هایش کسب می‌کرد حالا فقط یک ویدئوی منتشرشده‌اش با موضوع درآمد باربرها، ۵۷۹ هزار بار به اشتراک گذاشته شده است. نکته دیگر به چهره‌های تکراری ویدئوها مربوط می‌شود که یک‌بار در قامت باربر موتور و بار دیگر به‌عنوان باربر گاری دست به تبلیغ درآمد بالای خود می‌زنند. همین نمونه‌ها کافی است تا ترند این صفحه اینستاگرامی و سایر صفحات مشابه برای قالب کردن شغل باربرهای زحمتکش بازار به‌عنوان راهی آسان برای درآمد چندصد میلیونی قلمش شود. جدا از این بررسی، روزنامه همشهری چند روز پیش در گزارشی میدانی از درآمد واقعی باربرها نوشت و در گفت‌وگو با آنها مشخص شد که در بهترین حالت این کارگران زحمتکش شاید به زحمت ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان در روز به‌دست بیاورند؛ رقمی که با خبرهای زرد با نیت جذب فالوئر از زمین تا آسمان فاصله دارد.

کارت ملی بدون تراشه

صدور کارت ملی هوشمند که سال‌ها با صف‌های طولانی و مشکلات فنی همراه بود، سرانجام وارد مرحله‌ای تازه شد. می‌رسید چطور؟ خب ماجرا از این قرار

است که مدیران سازمان ثبت احوال بی‌خیال ایده چاپ و صدور کارت ملی با استانداردهای گذشته شدند و تصمیم گرفتند نقد تراشه‌روی کارت ملی را بزنند و به‌جای آن از بارکد استفاده کنند. این تراشه که ظاهراً به‌خاطر تحریم‌های کشور

مدت‌هاست که دیگر وارد نمی‌شود سال‌هاست که صدور کارت ملی را در کشور با

اسباب بازی واقعا جدی است

درباره رویداد «جهان کودک» که قرار است دنیای کودکان را رنگی تر کند

فاطمه عسگری‌نیا **روزنامه‌نگار** انجستین رویداد ملی جهان کودک از ۲۰مهرماه کار خود را با رونمایی پوسترش در جمع رسانه‌ها شروع کرد؛ رویدادی که شعارش هر کودک یک جهان است و بهانه‌ای شده تا جمعی از فعالان حوزه کودک تجارب و توانمندی‌های خود را در محورهای بازیستان (شتاب‌دهنده‌های حوزه تولید اسباب‌بازی)، اسباب‌بازی و وسایل بازی و یادگیری، بازی رومیزی، بازی بوم، خانه‌های بازی، طرح‌های نوین راه‌اندازی خانه‌های بازی، محتوا و ابزارهای تربیتی در خانه‌های بازی و محتوای ویژه مهد کودک‌ها، محتوای مکتوب و محتوای

جامعه امروز

اهتمام جدی برای تقویت صنعت اسباب‌بازی در کشور نداریم

سیدحسام‌الدین نوربخش، مدیرعامل بنیاد کودک طلوع

همشهری: یکی از اهداف برگزاری این رویداد جایگزینی محصولات بومی به جای محصولات وارداتی در حوزه کودک و سرگرمی است. به نظر شما چرا محصولات بومی ما تا امروز نتوانسته‌اند در برابر این بازار به خوبی عرضه‌اندام کنند؟

اگر خواستار چنین اتفاقی در حوزه صنعت محصولات کودک هستیم باید زیست‌بوم موردنظر این مهم شکل بگیرد و این امر محقق نمی‌شود مگر با تعریف سازوکاری مشخص ازسوی حاکمیت و دولت. درست است که در چند سال ما شاهد فعالیت انجمن‌های مختلف و سایر بخش‌ها در این حوزه بوده‌ایم، اما واقعیت این است که اهتمام لازم برای توسعه صنعتی بخش تولید محصولات کودک وجود نداشته است. شاید همین مسئله باعث شده که امروز ما شاهد فعالیت انواع صنفاها از خرازی‌ها و پلیمری‌ها و سایر صنایع در این بخش باشیم. در کنار این شرایط، ما جز شورای نظارت و انجمن تولیدکنندگان هیچ نهاد مشخصی برای ساماندهی بازار اسباب‌بازی نداریم؛ بنابراین ما لازم دیدیم که به حوزه ورود کنیم؛ آن هم با رویدادی تحت عنوان رویداد جهان کودک و از طرفان، فعالان اقتصادی و نخبگان حوزه کودک دعوت کنیم تا طرح‌های خود را به رقابت بگذارند و از جایزه حمایتی برای تولید انبوه آن استفاده کنند. ما باور داریم که امروز نیازمند سرمایه‌گذاری در حوزه اسباب‌بازی و سرگرمی‌های کودکانه هستیم.



۷۰ درصد حمایت‌های صندوق صنایع خلق در بخش سرگرمی سیدمهدی سادات، مدیرعامل صندوق صنایع خلق

همشهری: سهم اسباب‌بازی و سرگرمی‌های کودکانه از مجموع حمایت‌های صندوق صنایع خلق چقدر است؟
صندوق صنایع خلقی در مجموع موضوعات حمایتی از حوزه فرهنگی را دنبال می‌کند که اسباب‌بازی و سرگرمی‌های کودکان هم بخشی از اهداف ما را تشکیل می‌دهد. اگر بخواهیم به‌تنبهایی به اسباب‌بازی اشاره کنیم درواقع یک سوم از مجموع حمایت‌های صندوق صنایع خلقی را به‌خود اختصاص می‌دهد، اما اگر بخواهیم به حوزه کودک به‌صورت کلی اشاره کنیم، این حوزه ۷۰ درصد از حمایت‌های صندوق را به‌خود اختصاص داده است. اما ما همچنان در این بخش مشکل داریم و به جای کارخانه‌های بزرگ صنعت اسباب‌بازی شاهد تولیدات کارگاهی هستیم؛ تولیداتی که قابلیت رقابت در بازارهای جهانی را ندارند. براساس مطالعاتی که صورت گرفته ما اگر امروز می‌خواهیم در برابر بازار واردات اسباب‌بازی و سرگرمی‌های کودکانه بایستی چاره‌ای جز حرکت به سمت صنعتی شدن این حوزه نداریم. ما در این بخش نیازمند کمک حاکمیت و دولت برای تأمین زیرساخت‌ها و فراهم کردن بستر سودآوری اسباب‌بازی هستیم تا بتوانیم تولیدمان را صنعتی کنیم و در این صورت می‌توانیم انتظار طراحی‌های جدید در حوزه اسباب‌بازی و تولید محصولات قوی داشته باشیم. اسباب‌بازی واقعا موضوع مهمی است و بازی‌بردار نیست.

بحران مواجهه کرده‌است و حالا راحل نهایی، یعنی حذف صورت مسئله در دستور کار است. هاشم کارگر، معاون وزیر کشور و رئیس سازمان ثبت احوال از بازنگری در طراحی کارت ملی خبر داده و گفته: بدنه کارت ملی به جای پلی کربنات از پی‌وی‌سی تولید خواهد شد تا نیاز به واردات کاهش یابد و هزینه‌ها با بین بیاید.

استقبال ناگهانی به وجود نمی‌آید

حامد تأملی، نماینده هیأت داوران



همشهری: چرا ما در حوزه اسباب‌بازی از بازارهای بین‌المللی عقب هستیم و همین مسئله باعث می‌شود محصولات تولیدی که

مطابقتی با فرهنگ ما ندارد،

خیلی راحت به کشور رخنه کند؟
واقعیت این است که ما در این بخش از بازار بین‌المللی عقب هستیم. بله، امروز یک اسباب‌بازی راحت می‌تواند با توسل به فضای دیجیتال و استقبال خانواده‌ها وارد کشور شود؛ مانند عروسک لیونو. سالانه ۴۰۰ میلیون دلار گردش مالی اسباب‌بازی در کشور ایران است. نکته قابل توجه در این بخش این است که تقریباً نیمی از بازار اسباب‌بازی ایران قاچاق است و چون نظارتی بر قاچاق اسباب‌بازی نداریم هم می‌تواند فرهنگ بومی ما را نشانه بگیرد و هم به لحاظ استاندارددها برای بچه‌ها خطرناک باشد. عروسکی که یک‌شبه بازارهای جهانی را قبضه کرد، شما مطمئن باشید پشت این پروژه فکر، ایده و طرحی بوده است. اما ما برای اینکه بتوانیم در عرصه بین‌المللی اسباب‌بازی‌ها وارد شویم اول باید بازار داخلی خود را دریابیم. درواقع تا نتوانیم برای نیاز بازار داخلی اقدامی کنیم نمی‌توانیم در عرصه بین‌المللی موفق شویم؛ مثل تجربه‌ای که بچه‌های انجمنش داشتند؛ یعنی بعد از تأمین نیاز داخلی کشور در عرصه‌های جهانی حضور یافتند. مشکل دیگر در بخش تولید اسباب‌بازی در ایران نوسانات قیمت دلار است؛ آنجا که ما تولید انبوه در این بخش نداریم نمی‌توانیم مواد اولیه موردنیاز را از طریق بورس تهیه کنیم و باید از بازار آزاد فراهم آوریم؛ به‌خاطر همین محصولی که تولید می‌کنیم گران می‌شود و اینس گران‌بودن باعث می‌شود نتواند در عرصه صادرات موفق عمل کند.



کرده‌اند که چون وزیر امور خارجه است نباید برای فرزندش تولد بگیرد؛ بالاآن کدام کودکی است که یک ماهه‌به تولدش برگرفته از شخصیت کارتون‌های خارجی نباشد؟ خلاصه بحث داغ است و یک تولد ساده تبدیل به جنجال دربرو فضای مجازی شد.

صفحه شخصی اینستاگرامش منتشر کرده و عده‌ای این عکس را دستمایه نقد وزیر امور خارجه قرار داده‌اند. منتقدان می‌گویند که چرا عراقچی در این شرایط برای دخترش تولد گرفته؟ چرا یک هدیه به تولد نماد آمریکایی دارد و... در دیدگاه مقابل هم عنوان

عکس جشن تولد دختر دزدسال سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران یکی از حاشیه‌سازترین عکس‌های دربرو فضای مجازی به‌خصوص شبکه یکس بود. ماجرا این است که آرزو احمدوند، همسر عباس عراقچی، عکس جشن تولد دخترش را در



تولد حاشیه‌ساز دختر آقای وزیر

واسطه‌گران فرزندخواندگی

درباره پدیده جدید سفیر بهزیستی و واسطه فرزندخواندگی که با وجود انکار بهزیستی، حضور پررنگی در فضای مجازی دارند

لیلا شریف **روزنامه‌نگار** اشغل‌شان «واسطه‌گری فرزندپذیری» است و هر جاسوس یک‌بش، هستند؛ از صفحات اینستاگرامی با دنبال‌کننده چندصد هزار نفری تا مطب پزشکان متخصص زنان و نازایی. می‌گویند مسیر رسیدن به فرزندپذیری یکی از این افراد که در صفحه است که کودک بی‌سرپرست را به یک خانواده خواهان فرزند رسانده‌اند. بهزیستی اما آنها را انکار می‌کند و می‌گوید ما چنین واسطه‌هایی نداریم و فعالیت‌شان غیرقانونی است. از شبکه‌های اجتماعی گرفته تا مطب پزشک زنان، هر کدام به بستری برای ارتباط با خانواده‌هایی تبدیل شده است که از داشتن فرزند محروم

گزارش

چرا باید نگران باشیم؟

در شرایطی که مرجع ملی حقوق کودک برای حفظ محرمانگی شناسنامه کودکان فرزندخوانده مشغول پیگیری است تا مبدا تحت سرپرستی بودن این کودکان قاش شود، انتشار اطلاعات هویتی و تصویر این کودکان در فضای مجازی جای سؤال دارد. در کنار این نکته باید قبول کرد که داستان بازگرداندن فرزندخوانده‌ها معمولاً در میان آمارهای فرزندخواندگی گم می‌شود اما همین سهل‌انگاری در روند فرزندخواندگی و فعال‌شدن واسطه‌ها برای تسهیل شدن مسیر، هشدار ی است که با دقت بیشتری برای سرنوش و حریم خصوصی این کودکان تصمیم گرفت. برای درک بهتر شرایط شاید بهتر باشد که بر خرده‌روایت‌هایی که تحت عنوان روایت کارشناس بهزیستی و شاهد عینی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر) ترند شده بود، تکیه کنیم. هرچند نباید از این نکته غافل ماند که چنین رفتارهایی جای چندانی میان خانواده‌های ایرانی ندارد، اما نمی‌توان از واقعیت چشم‌پوشی کرد. به‌عنوان مثال در روایت یک مشاور بهزیستی که در توییتر منتشر شد، آمده بود: «زن و مردی بعد از چند هفته کودک را به دفتر شعبه خانواده بهزیستی آوردند و می‌گویند ما این بچه را نمی‌خواهیم، خیلی شیطان است.»

این را ز بین خودمان باشد

داستان فعالیت واسطه‌گران فرزندخواندگی به اینستاگرام محدود نمی‌شود. کافی است که به مطب دکتر زنان و زایمان یا تخصص خاص درمان نازایی مراجعه کنید، پزشکانی را می‌بینید که به زنان ناامید و درمانده از درمان‌های سخت درمان نازایی، پیشنهاد گرفتن فرزند از بهزیستی به‌عنوان خانواده میزبان را می‌دهند. مریم که در یکی از مطب‌های تهران با این موضوع مواجه شده بود، می‌گوید: «دکتر جلوی چشم من به زنی که برای بار دوم باردار نمی‌شد، پیشنهاد فرزندخواندگی داد و شماره واسطه‌گری در نیابوران را داد که می‌تواند فرایند گرفتن فرزندخوانده را برای او سریع‌تر کند.» مریم ادامه آنچه در مطب دکتر زنان را شاهد بوده، اینطور روایت کرده: «حتکه غم‌انگیز ماجرا این است که دکتر به زن می‌گفت که این شماره را بگیر و برو جلو، نهایتاً اگر رفتی و آوردی بچه‌ما یا دوماه و حتی یک سال گذشت و دیدی شوهرت نمی‌خواهد، خودت از پس مسئولیتش برنمی‌ایی یا هرچی می‌توانی به بهزیستی برگردانی. نیازی هم به تعهد مالی یا به نام‌زدن ملک نیست.» رد و بدل‌شدن چنین کلماتی نشان از این واقعیت دارد که انتقالدها به طرح‌های بهزیستی همچون طرح خانواده میزبان چندان دور از انصاف نبوده است. برخی از چنین طرحی به‌عنوان راه‌حل موقت برای آرامش خانواده‌های ناتوان در فرزندآوری استفاده می‌کنند.

۳۰۰ دایرکت برای رسیدن به فرزندخوانده

میان افراد خبری که برای پیشرفت پرورنده‌های فرزندپذیری، مشاوره می‌دهند و به‌عبارت دیگر تمام فوت و فن فرزندخواندگی را به خانواده‌ها آموزش می‌دهند، برخی در اینستاگرام شهرت بیشتری دارند. یکی از این افراد که در صفحه اینستاگرامش، خود را نویسنده و رمان‌نویس معرفی کرده به پناه خانواده‌ها برای پذیرش فرزند تبدیل شده است و شلوغی تعداد مراجعان او را می‌توان از بازخوردهایی که استوری می‌شوند، فهمید. به گفته این واسطه که خود را سفیر بهزیستی و سفیر خوارگاه آمنه معرفی می‌کند، هرروز نزدیک به ۳۰۰ دایرکت از سوی خانواده‌های خواهان فرزند پاسخ داده می‌شود. بررسی صفحه این واسطه نشان می‌دهد که او علاوه بر راهنمایی به یک همراه خانواده‌ها تبدیل شده است؛ تا این قسمت، چنین پشتیبانی‌های نیک گرفته می‌شود، ماجرا زمانی پیچیده می‌شود که بهزیستی مهر تأیید بر حضور این واسطه‌ها نمی‌زند. این صفحه و صفحات مشابه بدون کوچک‌ترین توجهی به حرف‌های همشهری چند روز پیش در گزارشی میدانی از درآمد واقعی باربرها نوشت و در گفت‌وگو با آنها مشخص شد که در بهترین حالت این کارگران زحمتکش شاید به زحمت ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان در روز به‌دست بیاورند؛ رقمی که با خبرهای زرد با نیت جذب فالوئر از زمین تا آسمان فاصله دارد.